

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های  
عمومی و انقلاب (در امور مدنی)  
با اعراب‌گذاری

---

تدوین:

گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش

اعراب‌گذاری: مصطفی افشاری

انتشارات چتر دانش

عنوان قراردادی	ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) با اعراب‌گذاری/تدوین گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش؛ اعراب‌گذاری مصطفی افشاری.
مشخصات نشر	تهران: چتر دانش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۱۸۷ ص؛ ۱۱×۱۷ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۹۲-۲
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبیا
موضوع	دادگاه‌های انقلاب -- قوانین و مقررات -- ایران
موضوع	Revolutionary courts -- Law and legislation -- Iran *
موضوع	آیین دادرسی مدنی -- ایران
موضوع	Civil procedure -- Iran
موضوع	حقوق مدنی -- ایران
موضوع	Civil rights -- Iran
شناسه افزوده	افشاری، مصطفی، ۱۳۶۸ -
شناسه افزوده	موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
رده بندی کنگره	پ ۱۳۹۵ ۱۵۸۸/۱۲۸ KMH
رده بندی دیویی	۳۴۷/۵۵۰۴
شماره کتابشناسی ملی	۴۲۷۹۵۶۴

نام کتاب	قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) با اعراب‌گذاری
ناشر	چتر دانش
تدوین	گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
اعراب‌گذاری	مصطفی افشاری
نوبت و سال چاپ	دوم - ۱۳۹۹
شمارگان	۵۰۰
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۹۲-۲
قیمت	۹۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - کوچه نوروز - پلاک ۱۳

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۷۸۹۱۵ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۸۹۰۵۹

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## فهرست

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹.....	۱۰
کتابِ اوّل: در امور مدنی.....	۱۰
کلیّات.....	۱۰
بابِ اوّل: در صلاحیتِ دادگاه‌ها.....	۱۳
فصلِ اوّل: در صلاحیتِ ذاتی و نسبیِ دادگاه‌ها.....	۱۳
فصلِ دوّم: اختلاف در صلاحیت و ترتیبِ حلّ آن.....	۱۷
بابِ دوّم: وکالت در دعاوی.....	۱۹
بابِ سوّم: دادرسیِ نخستین.....	۲۷
فصلِ اوّل: دادخواست.....	۲۷
مبحثِ اوّل: تقدیمِ دادخواست.....	۲۷
مبحثِ دوّم: شرایطِ دادخواست.....	۲۷
مبحثِ سوّم: مواردِ توقیفِ دادخواست.....	۲۹
مبحثِ چهارم: پیوست‌های دادخواست.....	۳۰
فصلِ دوّم: بهایِ خواسته.....	۳۲

۳۳	فصلِ سوّم: جریانِ دادخواست تا جَلِسِه رَسیدِگی
۳۳	مَبَحَثِ اوّل: جریانِ دادخواست
۳۴	مَبَحَثِ دوّم: ابلاغ
۴۱	مَبَحَثِ سوّم: ایرادات و مَوَانِعِ رَسیدِگی
۴۴	فصلِ چَهَارُم: جَلِسِه دادرسی
۴۷	فصلِ پنجم: توقیفِ دادرسی و اِستردادِ دَعْوَا و دادخواست
۴۹	فصلِ شِشُم: اُمُورِ اِتِّفَاقی
۴۹	مَبَحَثِ اوّل: تَأْمینِ خواسته
۴۹	۱- دَرخواستِ تَأْمین
۵۳	۲- اَقسامِ تَأْمین
۵۵	مَبَحَثِ دوّم: ورودِ شَخْصِ ثَالِث
۵۶	مَبَحَثِ سوّم: جَلْبِ شَخْصِ ثَالِث
۵۸	مَبَحَثِ چَهَارُم: دَعْوایِ مِتقَابِل
۵۹	مَبَحَثِ پَنجم: اَخْذِ تَأْمینِ اَز اَتْبَاعِ دولت‌هایِ خَارِجی
۶۰	فصلِ هفتم: تَأْمینِ دَلیلِ و اِظْهَارنامه
۶۰	مَبَحَثِ اوّل: تَأْمینِ دَلیل
۶۲	مَبَحَثِ دوّم: اِظْهَارنامه

فصل هشتم: دعاوی تصرفِ عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت..	۶۳
فصل نهم: سازش و درخواستِ آن .....	۶۹
مبحثِ اول: سازش .....	۶۹
مبحثِ دوم: درخواستِ سازش .....	۷۱
فصل دهم: رسیدگی به دلایل .....	۷۲
مبحثِ اول: کلیات .....	۷۲
مبحثِ دوم: اقرار .....	۷۳
مبحثِ سوم: اسناد .....	۷۴
الف- مواد عمومی .....	۷۴
ب- انکار و تردید .....	۷۸
ج- ادعای جعلیت .....	۷۹
د- رسیدگی به صحت و اصلتِ سند .....	۸۱
مبحثِ چهارم: گواهی .....	۸۳
مبحثِ پنجم: معاينه محل و تحقیق محلی .....	۸۸
مبحثِ ششم: رجوع به کارشناس .....	۹۰
مبحثِ هفتم: سوگند .....	۹۴
مبحثِ هشتم: نیابت قضایی .....	۹۹

- فَصْلُ يَارِذَهُمْ: رَأَى ..... ۱۰۱
- مَبْحَثِ أَوْلٍ: صُدُورٌ وَ انْشَاءٌ رَأَى ..... ۱۰۱
- مَبْحَثِ دَوْمٍ: ابْتِلَاغٌ رَأَى ..... ۱۰۲
- مَبْحَثِ سَوْمٍ: حُكْمٌ حُضُورِيٌّ وَ غِيَابِيٌّ ..... ۱۰۳
- مَبْحَثِ چَهَارُمٍ: وَ اِخْوَاهِي ..... ۱۰۴
- مَبْحَثِ پَنْجُمٍ: تَصْحِيحٌ رَأَى ..... ۱۰۶
- مَبْحَثِ شِشُمٍ: دَاخِرِسِيٌّ فُورِيٌّ ..... ۱۰۷
- بَابِ چَهَارُمٍ: تَجْدِيدِنَظَرُ ..... ۱۱۱
- فَصْلِ أَوْلٍ: أَحْكَامٌ وَ قَرَارَاهِي قَابِلِ نَقْضٍ وَ تَجْدِيدِنَظَرُ ..... ۱۱۱
- فَصْلِ دَوْمٍ: آرَائِي قَابِلِ تَجْدِيدِنَظَرُ ..... ۱۱۱
- فَصْلِ سَوْمٍ: مُهَلَّتِ تَجْدِيدِنَظَرُ ..... ۱۱۳
- فَصْلِ چَهَارُمٍ: دَاخِرِسِيٌّ وَ مُقَدَّمَاتِ رِسِيدِگِي ..... ۱۱۴
- فَصْلِ پَنْجُمٍ: جِهَاتِ تَجْدِيدِنَظَرُ ..... ۱۱۸
- بَابِ پَنْجُمٍ: فَرَجَامُ خَوَاهِي ..... ۱۲۳
- فَصْلِ أَوْلٍ: فَرَجَامُ خَوَاهِي دَرِ أُمُورِ مَدَنِي ..... ۱۲۳
- مَبْحَثِ أَوْلٍ: فَرَجَامُ خَوَاهِي وَ آرَائِي قَابِلِ فَرَجَامُ ..... ۱۲۳
- مَبْحَثِ دَوْمٍ: مَوَارِدِ نَقْضٍ ..... ۱۲۵

- ۱۲۷ ..... مَبْحَثِ سَوْمٍ: تَرْتِيبِ فَرَجَامِ خَوَاهِي
- ۱۳۰ ..... مَبْحَثِ چَهَارُم: تَرْتِيبِ رِسِيْدِ گِي
- ۱۳۳ ..... مَبْحَثِ پَنْجُم: مُهْلَتِ فَرَجَامِ خَوَاهِي
- ۱۳۳ ..... مَبْحَثِ شِشُم: اِقْدَامَاتِ پَسِ اَز نَقْضِ
- ۱۳۷ ..... مَبْحَثِ هَفْتُم: فَرَجَامِ تَبْعِي
- ۱۳۸ ..... فَصْلِ دُوْم: اِعْتِرَاضِ شَخْصِ ثَالِثِ
- ۱۴۰ ..... فَصْلِ سَوْمِ: اِعَادِهٖ دَاْدْرِسِي
- ۱۴۰ ..... مَبْحَثِ اَوَّل: جِهَاتِ اِعَادِهٖ دَاْدْرِسِي
- ۱۴۱ ..... مَبْحَثِ دُوْم: مُهْلَتِ دَرْخَوَاسْتِ اِعَادِهٖ دَاْدْرِسِي
- ۱۴۳ ..... مَبْحَثِ سَوْمِ: تَرْتِيبِ دَرْخَوَاسْتِ اِعَادِهٖ دَاْدْرِسِي وَ رِسِيْدِ گِي
- ۱۴۷ ..... بَابِ شِشُم: مَوَاعِدِ
- ۱۴۷ ..... فَصْلِ اَوَّل: تَعْيِيْنِ وَ حِسَابِ مَوَاعِدِ
- ۱۴۸ ..... فَصْلِ دُوْم: دَاْدَنِ مُهْلَتِ وَ تَجْدِيْدِ مَوْعِدِ
- ۱۵۰ ..... بَابِ هَفْتُم: دَاوْرِي
- ۱۶۵ ..... بَابِ هَشْتُم: هَزِيْنِهٖ دَاْدْرِسِي وَ اِعْسَازِ
- ۱۶۵ ..... فَصْلِ اَوَّل: هَزِيْنِهٖ دَاْدْرِسِي
- ۱۶۵ ..... فَصْلِ دُوْم: اِعْسَازِ اَز هَزِيْنِهٖ دَاْدْرِسِي

۱۶۹	.....	بابِ نُهُمْ: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد
۱۶۹	.....	فصلِ اول: کلیات
۱۷۰	.....	فصلِ دوم: خسارات
۱۷۱	.....	فصلِ سوم: مستثنیات دین
۱۷۳	.....	سایر مقررات
۱۷۴	.....	قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳.....



## سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی به‌منصه‌ی ظهور برساند.

**فرزاد دانشور**

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

## قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱

### کتابِ اوّل: در امور مدنی کلیات

**ماده ۱-** آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاه‌های عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون، موظف به رعایت آن می‌باشند، به کار می‌رود.

**ماده ۲-** هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند، مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان، رسیدگی به دعوای را برآبر قانون درخواست نموده باشند.

**ماده ۳-** قضات دادگاه‌ها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین

شَرعی نباشد، حُکْمِ قَضِیَه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سُکُوت یا نَقْص یا اِجْمال یا تَعَارُضِ قَوَانین از رسیدگی به دَعْوَا و صُدُورِ حُکْمِ اِمْتِناع و رَزَنَد وَاَلَا مُسْتَنَکِف از اِحْقاقِ حَقِّ سِنَاخْتِه شُدِه و به مُجَازاتِ اَن مَحْکُوم خواهند شد.

**تبصره** - چنانچه قاضی، مُجْتَهِد باشد و قانون را خِلافِ شَرع بدانَد، پَرَوْنِدِه به شُعْبِه دِیْگَری جَهْتِ رِسِیْدِگی، اِرْجَاع خواهد شد.

**ماده ۴-** دادگاه‌ها مَکَلَّفَنَد دَر مَورِدِ هَر دَعْوَا، به طَورِ خَاصِّ تَعْیِینِ تَکْلِیفِ نَمَایَنَد و نَبَایَد به صُورَتِ عَامِّ و کَلِّی حُکْمِ صَادرِ کُنَنَد.

**ماده ۵-** آرای دادگاه‌ها قَطْعی است، مَگَر در مَوارِدِ مُقَرَّر در بابِ چِهارمِ اِین قانون یا در مَوارِدی که به مَوجِبِ سَایِرِ قَوَانین، قَابلِ نَقْصِ یا تَجدِیدِ نَظَر باشند.

**ماده ۶-** عُقُود و قَراردادها یی که مَخِلِّ نَظْمِ عُمُومی یا بَر خِلافِ اَخْلَاقِ حَسَنِه که مَعاَیِرِ با مَوازینِ شَرع باشد، در دادگاه قَابلِ تَرْتِیبِ اَثَر نیست.

**ماده ۷-** به ماهِیَّتِ هِیچ دَعْوایی نِمی‌تَوان در مَرَحِلِه بِالاتَر رِسِیْدِگی نِمُود، تا زَمَانی که در مَرَحِلِه نُخُسْتین در اَن دَعْوَا حُکْمی صَادر نَشُدِه باشد، مَگَر به مَوجِبِ قانون.

**ماده ۸-** هِیچ مَقامِ رَسْمی یا سَازمان یا اِدَاره دَوْلَتی نِمی‌تَوانَد حُکْمِ دادگاه را تَغْییر دَهد و یا اَز اِجْرای اَن جِلُوگیری کُنَد مَگَر

دادگاهی که حکم صادر نموده و یا مرجع بالاتر، آن هم در مواردی که قانون معین نموده باشد.

**ماده ۹-** رسیدگی به دعاوی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده، به ترتیب مقرر در این قانون ادامه می‌یابد.

آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدید نظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد، مگر اینکه آن قوانین، خلاف شرع شناخته شود. نسبت به کلیه قرارهای عدم صلاحیتی که قبل از تاریخ اجرای این قانون از دادگاه‌ها صادر شده و در زمان اجرای این قانون در جریان رسیدگی تجدیدنظر یا فرجامی است به ترتیب مقرر در این قانون عمل می‌شود.

## بابِ اَوَّل: دَرِ صَلَاحِیَّتِ دادگاهها

### فَصْلِ اَوَّل: دَرِ صَلَاحِیَّتِ ذَاتِی وَ نَسَبِیِ دادگاهها

ماده ۱۰- رسیدگی نُهسْتین بَه دَعَاوی، حَسَبِ مُورِدِ دَرِ صَلَاحِیَّتِ دادگاههای عُمومی و انقلاب است، مگر در مَواردی که قَانُونِ مَرَجَع دیگری را تَعیین کرده باشد.

ماده ۱۱- دَعْوَا بَایَد دَرِ دادگاهی اِقَامِه شُود که خواننده، در حُوزِه قَضایی آن اِقَامَتگاه دارد و اگر خواننده در ایران اِقَامَتگاه نَداشته باشد، دَرِ صُورَتِی که در ایران، مَحَلِّ سُکُونَتِ مُوقَّتِ دَاشْتِه باشد، در دادگاه همان مَحَلِّ بَایَد اِقَامِه گردد و هرگاه در ایران اِقَامَتگاه و یا مَحَلِّ سُکُونَتِ مُوقَّتِ نَداشته، ولی مال غَیرمَنْقُولِ دَاشْتِه باشد، دَعْوَا در دادگاهی اِقَامِه می‌شود که مال غَیرمَنْقُولِ در حُوزِه آن واقع است، و هرگاه مالِ غَیرمَنْقُولِ هم نَداشْتِه باشد، خواهان در دادگاهِ مَحَلِّ اِقَامَتگاهِ خود، اِقَامِه دَعْوَا خواهد کرد.

تبصره- حوزِه قَضایی، عبارت است از، قَلَمَرُو یک بَخْشِ یا شَهْرِستان که دادگاه در آن واقع است. تَقْسیم‌بندی حوزِه قَضایی بَه واحدهایی از قَبیلِ مُجْتَمَعِ یا نَاحِیَه، تَغْییری در صَلَاحِیَّتِ عَامِّ دادگاهِ مُسْتَقَرِّ در آن نمی‌دهد.

ماده ۱۲- دَعَاویِ مَرْبُوطِ بَه اِمْوَالِ غَیرمَنْقُولِ اَعْمِ از دَعَاویِ مَالِکِیَّتِ، مُزَاحَمَتِ، مُمَانَعَتِ از حَقِّ، تَصَرُّفِ عُدْوَانِی وَ سَایرِ حَقُوقِ

راجع به آن، در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است، اگرچه خواننده در آن حوزه، مقیم نباشد.

**ماده ۱۳-** در دعوای بازگانی و دعوای راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد، خواهان می‌تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می‌بایست در آنجا انجام شود.

**ماده ۱۴-** درخواست تأمین دلایل و امارات از دادگاهی می‌شود که دلایل و امارات مورد درخواست، در حوزه آن واقع است.

**ماده ۱۵-** در صورتی که موضوع دعوا، مربوط به مال منقول و غیر منقول باشد، در دادگاهی اقامه دعوا می‌شود که، مال غیر منقول در حوزه آن واقع است، به شرط آنکه دعوا در هر دو قسمت، ناشی از یک منشاء باشد.

**ماده ۱۶-** هر گاه یک ادعا، راجع به خوانندگان متعدّد باشد که در حوزه‌های قضائی مختلف اقامت دارند، یا راجع به اموال غیر منقول متعدّدی باشد که در حوزه‌های قضائی مختلف واقع شده‌اند، خواهان می‌تواند به هر یک از دادگاه‌های حوزه‌های یاد شده مراجعه نماید.

**ماده ۱۷-** هر دعوایی که در اثنای رسیدگی به دعوای دیگر از طرف خواهان یا خواننده یا شخص ثالث، یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود، دعوای طاری نامیده می‌شود. این دعوا اگر با

دَعَوایِ اصلی، مُرتَبَطِ یا دارای یک مَنَشَأ باشد، در دادگاهی اِقَامِه می‌شود که دَعَوایِ اصلی در آنجا اِقَامِه شده است.

**ماده ۱۸-** عُنْوَانِ اِحْتِسَاب، تَهَاتُرِ یا هَر اِظْهَارِی که دِفَاعِ مَحْسُوب شُود، دَعَوایِ طاری نَبُودِه، مَشْمُولِ ماده (۱۷) نَخَوَاهَد بُوَد.

**ماده ۱۹-** هرگاه رسیدگی به دَعَوَا، مَنُوطِ بِه اِثْبَاتِ ادْعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است، رسیدگی به دَعَوَا تا اِتِّخَاذِ تَصْمِیمِ از مَرْجِعِ صلاحیت دار، مَتَوَقَّفِ می‌شود. در این مورد، خواهان مَكَلَّفِ است ظَرْفِ یک ماه دَر دادگاهِ صالح، اِقَامِه دَعَوَا کند و رسیدن آن را به دَفْتَرِ دادگاه رسیدگی کُننده تَسْلِیمِ نماید، دَر غَیْرِ این صُورَت، قَرَارِ رَدِّ دَعَوَا صَادِرِ می‌شود و خواهان می‌تواند پس از اِثْبَاتِ ادْعَا، در دادگاهِ صالحِ مُجَدِّداً اِقَامِه دَعَوَا نماید.

**ماده ۲۰-** دَعَوایِ راجع به تَرَكِه مَتَوَفَّی اگر چه خواسته، دین و یا مَرْبُوطِ بِه وَصَالِیای مَتَوَفَّی باشد تا زمانی که تَرَكِه تَقْسِیمِ نَشُدِه، در دادگاهِ مَحَلِّی اِقَامِه می‌شود که آخرین اِقَامَتگاهِ مَتَوَفَّی در ایران، آن محلّ بوده، و اگر آخرین اِقَامَتگاهِ مَتَوَفَّی مَعْلُومِ نباشد، رسیدگی به دَعَوایِ یاد شده دَر صلاحیتِ دادگاهی است که آخِرین مَحَلِّ سَكُونَتِ مَتَوَفَّی در ایران، در حُوزِه آن بوده است.

**ماده ۲۱-** دَعَوایِ راجع به تَوَقَّفِ یا وَرَشِكْسِتِگی، باید در دادگاهی اِقَامِه شُود که شَخْصِ مَتَوَقَّفِ یا وَرَشِكْسِتِه، در حوزِه آن اِقَامَتِ داشته

است؛ و چنانچه در ایران اقامت نداشته باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که متوقف یا ورشکسته در حوزه آن برای انجام معاملات خود، شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد.

**ماده ۲۲-** دعوای راجع به ورشکستگی شرکت‌های بازرگانی که مرکز اصلی آن‌ها در ایران است، همچنین دعوای مربوط به اصل شرکت، و دعوای بین شرکت و شرکاء و اختلافات حاصله بین شرکاء و دعوای اشخاص دیگر علیه شرکت تا زمانی که شرکت باقی است، و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است، در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود.

**ماده ۲۳-** دعوای ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت، در محلی که تعهد در آنجا واقع شده، یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد یا جایی که پول باید پرداخت شود، اقامه می‌شود. اگر شرکت دارای شعب متعده در جاهای مختلف باشد، دعوای ناشی از تعهدات هر شعبه با اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است، اقامه شود، مگر آنکه شعبه یاد شده برچیده شده باشد، که در این صورت نیز دعوای در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد.

**ماده ۲۴-** رسیدگی به دعوای اعسار به طور کلی با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی نخستین به دعوای اصلی را دارد، یا



ابتدا به آن رسیدگی نمود است.

**ماده ۲۵-** هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذی نفع مقیم خارج از کشور باشد، رسیدگی با دادگاه محل صدور سند است؛ و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان، هر دو خارج از کشور باشد، در صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان تهران خواهد بود.

### فصل دوم: اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن

**ماده ۲۶-** تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه، نسبت به دعوی که به آن رجوع شده است، با همان دادگاه است. مناط صلاحیت تاریخ تقدیم دادخواست است، مگر در موردی که خلاف آن مقرر شده باشد.

**ماده ۲۷-** در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده، خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه صلاحیت دار ارسال می نماید. دادگاه مرجوع الیه مکلف است خارج از نوبت نسبت به صلاحیت اظهار نظر نماید و چنانچه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد، پرونده را جهت حل اختلاف به دادگاه تجدیدنظر اُستان ارسال می کند. رای دادگاه تجدیدنظر، در تشخیص صلاحیت، لازم الاتباع خواهد بود.

**تبصره-** در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاه های دو حوزه قضایی از دو اُستان باشد، مرجع حل اختلاف به ترتیب یاد

شده، دیوان عالی کشور می‌باشد.

**ماده ۲۸-** هرگاه بین دادگاه‌های عمومی، نظامی و انقلاب در مورد صلاحیت، اختلاف محقق شود، همچنین در مواردی که دادگاه‌ها اعم از عمومی، نظامی و انقلاب به صلاحیت مراجع غیر قضایی از خود نفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند، پرونده برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارجاع خواهد شد. رأی دیوان عالی کشور در خصوص تشخیص صلاحیت، لازم‌الاتباع می‌باشد.

**ماده ۲۹-** رسیدگی به قرارهای عدم صلاحیت در دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور، خارج از نوبت خواهد بود.

**ماده ۳۰-** هرگاه بین دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان و یا دادگاه تجدیدنظر استان با دادگاه بدوی، در مورد صلاحیت اختلاف شود، حسب مورد، نظر مرجع عالی، لازم‌الاتباع است.

## باب دُوم: وِکالت در دَعاوی

**ماده ۳۱-** هر یک از مُتداعیین می‌توانند برای خود، حَدَاکَثَر تا دو نفر وکیل، اِنْتِخاب و مُعَرَفی نمایند.

**ماده ۳۲-** وزارتخانه‌ها، مۇئسسَاتِ دُولتی و وابسته به دولت، شرکت‌های دولتی، نُهادهای اِنقلابِ اسلامی و مۇئسسَاتِ عَمومی غیر دولتی، شهرداری‌ها و بانک‌ها می‌توانند علاوه بر اِسْتِفَادِه از وُکَلای دادگستری، برای طَرَحِ هرگونه دَعُوا یا دِفَاع و تَعْقِیبِ دَعاوی مربوط، از اِدَارِه حُقوقی خود یا کارمندانِ رَسْمی خود با داشتن یکی از شَرایطِ زیر به عُنوانِ نَمایندِه حُقوقی اِسْتِفَادِه نمایند:

۱- دارا بودن لیسانس در رشته حقوق با دو سال سابقه کارآموزی در دفاتر حقوقی دستگاه‌های مربوط.

۲- دو سال سابقه کار قضایی یا وکالت به شرطِ عَدَمِ مَحْرومیّت از اِشْتِغال به مَشَاغِلِ قِضاوَتِ یا وِکالت.

تَشْخِیصِ اِحْرَازِ شَرایطِ یَادِ شُدِه، به عَهْدِه بالاترین مقامِ اِجْرایی سازمان یا قائم‌مقامِ قانونی وی خواهد بود.

ارائه مُعَرَفی‌نامه نَمایندِگی حقوقی به مَرَاجِعِ قِضایی الزامی است.

**ماده ۳۳-** وکلای مُتداعیین باید دارای شَرایطی باشند که به مَوْجِبِ قَوانینِ راجع به وکالت در دادگاه‌ها برای آنان مُقَرَّر گردیده است.

**ماده ۳۴-** وکالت مُمکن است به مُوجب سَنَدِ رَسْمی یا غیر رَسْمی باشد. در صُورَتِ اَخیَر، در مورِدِ وکالت‌نامه‌های تَنظیمی در ایران، وکیل می‌تواند ذیل وکالت‌نامه تأیید کند که وکالت‌نامه را مُوکلٌ شَخْصاً دَر حُضُورِ او اِمضَا یا مُهر کرده یا اَنگِشْت زَدِه است. در صُورَتی که وکالت دَر خَارِج از ایران داده شده باشد، باید به گُواهی یکی از مأمورینِ سیاسی یا کُنسُولی جمهوری اسلامی ایران برسد. مَرَجِعِ گُواهی وکالت‌نامه اَشْخَاصِ مُقِیم در کشورهای فاقدِ مأمورِ سیاسی یا کُنسُولی ایران به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که تَوسِطِ وزارتِ دادگستری با همکاری وزارتِ اُمُورِ خَارِجِه، ظَرْفِ مُدَّتِ سِه ماه، تَهیّه و به تَصویبِ رَئیسِ قوه قَضائیه خواهد رسید. اگر وکالت در جَلِسه دادرسی داده شُود، مراتب در صُورَتِ جَلِسه قید و به امضای مُوکل می‌رسد و چنانچه مُوکل دَر زندان باشد، رَئیسِ زندان یا مُعاوِنِ وی باید اِمضَا یا اَثَرِ اَنگِشْتِ او را تَصَدیق نماید.

**تبصره-** در صُورَتی که مُوکل، اِمضَا، مُهر یا اَثَرِ اَنگِشْتِ خود را اِنکار نماید، دادگاه به این موضوع نیز رسیدگی خواهد نمود.

**ماده ۳۵-** وکالت در دادگاه‌ها شاملِ تمامِ اختیاراتِ راجع به اَمِرِ دادرسی است، جز آنچه را که مُوکلِ اِستثناء کرده یا تُوکیل در اَن خِلَافِ شَرع باشد، لیکن در اُمُورِ زَیر، باید اختیاراتِ وکیل در وکالت‌نامه تَصْرِیح شُود:

- ۱- وکالت راجع به اعتراض به رأی، تجدیدنظر، فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی.
  - ۲- وکالت در مصالحه و سازش.
  - ۳- وکالت در ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند.
  - ۴- وکالت در تعیین جاعل.
  - ۵- وکالت در ارجاع دعوا به داوری و تعیین داور.
  - ۶- وکالت در توکیل.
  - ۷- وکالت در تعیین مُصدّق و کارشناس.
  - ۸- وکالت در دعوای خسارت.
  - ۹- وکالت در استرداد دادخواست یا دعوا.
  - ۱۰- وکالت در جلب شخص ثالث و دفاع از دعوای ثالث.
  - ۱۱- وکالت در ورود شخص ثالث و دفاع از دعوای ورود ثالث.
  - ۱۲- وکالت در دعوای متقابل و دفاع در قبال آن.
  - ۱۳- وکالت در ادعای اعسار.
  - ۱۴- وکالت در قبول یا ردّ سوگند.
- تبصره ۱-** اشاره به شماره‌های یاد شده در این ماده، بدون ذکر موضوع آن، تصریح محسوب نمی‌شود.
- تبصره ۲-** سوگند، شهادت، اقرار، لعان و ایلاء، قابل توکیل

نمی‌باشد.

**ماده ۳۶-** وکیل در دادرسی، در صورتی حقی درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم‌به و وجوه ایداعی به نام موکل را خواهد داشت که، در وکالت‌نامه تصریح شده باشد.

**ماده ۳۷-** اگر موکل، وکیل خود را عزل نماید، مراتب را باید به دادگاه و وکیل معزول اطلاع دهد.

عزل وکیل مانع از جریان دادرسی نخواهد بود. اظهار شفاهی عزل وکیل باید در صورت جلسه قید و به امضای موکل برسد.

**ماده ۳۸-** تا زمانی که عزل وکیل به اطلاع او نرسیده است، اقدامات وی در حدود وکالت، همچنان اِبلاغ‌هایی که از طرف دادگاه به وکیل می‌شود، مؤثر در حقی موکل خواهد بود، ولی پس از اطلاع دادگاه از عزل وکیل، دیگر او را در امور راجع به دادرسی، وکیل نخواهد شناخت.

**ماده ۳۹-** در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می‌کند که شخصاً یا توسط وکیل جدید، دادرسی را تعقیب نماید؛ و دادرسی تا مراجع موکل یا معرفی وکیل جدید، حداکثر به مدت یک‌ماه متوقف می‌گردد. وکیلی که دادخواست تقدیم کرده، در صورت استعفاء، مکلف است آن را به اطلاع موکل خود برساند و پس از آن، موضوع استعفای

وَ كَيْلٍ وَ اِحْطَارٍ رَفَعِ نَقْصٍ، تَوْسُطِ دَادِگَاهِ بِهٖ مُوَكَّلِ اِبْلَاغِ مِی شُود، رَفَعِ نَقْصِ بِهٖ عَهْدِهٖ مُوَكَّلِ اِسْت.

**ماده ۴۰-** دَر صُورَتِ فُوتِ وَ كَيْلِ يَا اِسْتِعْفَا، يَا عَزَلِ، يَا مَمْنُوعِ شُدَنِ، يَا تَعْلِيْقِ اَز وَ كَالْتِ، يَا بَا ز دَا شْتِ وِی، چِنَانچِه اَخَذِ تَوْضِيحِی لَازِمِ نَبَاشَدُ، دَا دَرِ سِی بِه تَا خِيَرِ نَمِی اُفْتَدِ وَ دَر صُورَتِ نِیَا ز بِه تَوْضِيحِ، دَا دِ گَا هٖ مَرَاتِبِ رَا دَر صُورَتِ مَجْلِسِ قَيْدِ مِی كِنْدِ وَ بَا ذِكْرِ مَوَارِدِ تَوْضِيحِ بِهٖ مُوَكَّلِ اِطْلَاغِ مِی دِهْدِ كِه، شَخْصًا يَا تَوْسُطِ وَ كَيْلِ جَدِيدِ دَر مَوْعِدِ مَقْرَّرِ بَرَا اَدَايِ تَوْضِيحِ حَاضِرِ شُود.

**ماده ۴۱-** وَ كَلَا مُكَلَّفَنْدِ دَر هِنِگَامِ مُحَاكِمِهٖ حُضُورِ دَا شْتِهٖ بَاشَنْدِ؛ مَگَرِ اَيْنَكِه دَا رَا يِ عُدْرِ مَوْجِهِي بَاشَنْدِ. جِهَاتِ زِيَرِ، عُدْرِ مَوْجِهِ مَحْسُوبِ مِی شُود:

۱- فُوتِ يَكِي اَز بَسْتِگَانِ نَسْبِي يَا سَبْبِي تَا دَرَجِهٖ اَوَّلِ اَز طَبَقِهٖ دَوَمِ.

۲- اِيْتِلَا بِهٖ مَرَضِي كِه مَانِعِ اَز حَرَكَتِ بُوْدِهٖ يَا حَرَكَتِ، مُضِرِّ تَشْخِيصِ دَا دِهٖ شُود.

۳- حَوَادِثِ قَهْرِي اَز قَبِيْلِ سِيْلِ وَ زَلْزِلِهٖ كِه مَانِعِ اَز حُضُورِ دَرِ دَا دِ گَا هٖ بَاشَدِ.

۴- وَ قَاعِي خَارِجِ اَز اِخْتِيَارِ وَ كَيْلِ كِه مَانِعِ اَز حُضُورِ وِی دَرِ دَا دِ گَا هٖ شُود.

وکیل مَعذُور، مَوْظَف است عُدْرِ خود را به طور کتبی با دلایل آن، برای جَلْسِه مُحَاكِمِه به دادگاه اِرسال دارد. دادگاه دَرصُورَتی به آن تَرْتِیبِ اثر می‌دهد که عُدْرِ او را مَوْجِه بَداند، در غیر این صُورَت جَرِیانِ مُحَاكِمِه را اِدَامِه داده و مَرَاتِبِ را به مَرْجِعِ صَلاَحِیَّتدار برای تعقیبِ اِنْتِظَامی وکیل، اِطِلاع خواهد داد. دَرصُورَتی که جَلْسِه دادگاه به عِلَّتِ عُدْرِ وکیل تَجْدید شُود، دادگاه باید عِلَّتِ آن و وَقْتِ رِسیدگی بعدی را به مَوْکِلِ اِطِلاع دهد. در این صُورَت، جَلْسِه بَعْدی دادگاه به عِلَّتِ عَدَمِ حُضُورِ وکیل، تَجْدید نخواهد شد.

**ماده ۴۲-** دَرصُورَتی که وکیل هم زَمَانِ دَرِ دو یا چَند دادگاه دَعُوت شُود و جَمعِ بَینِ آن‌ها مُمْکِن نَباشد، لازم است در دادگاهی که حُضُورِ او بَرابَرِ قانُونِ آیینِ دادرسی کِیْفَری یا سایرِ قوانین، الزامی باشد، حاضِر شُود؛ و به دادگاه‌های دیگر لایحه بفرستد و یا دَرصُورَتِ داشتنِ حَقِّ تَوکیل، وکیلِ دیگری معرفی نماید.

**ماده ۴۳-** عَزَلِ یا اِسْتِعْفایِ وکیل یا تَعیینِ وکیلِ جَدید باید در زَمانی اُنْجَام شُود که مَوْجِبِ تَجْدیدِ جَلْسِه دادگاه نَگردد. در غیر این صُورَت، دادگاه به این عِلَّتِ جَلْسِه را تَجْدید نَخواهد کرد.

**ماده ۴۴-** دَرصُورَتی که یکی از اَصْحابِ دَعُوا دَرِ دادرسی، دو نَفَرِ وکیلِ مَعْرِفِی کرده و به هیچ یک از آن‌ها به طورِ مُنْفَرِدِ حَقِّ اَقْدامِ نَداده باشد، اِرسالِ لایحه تَوْسُطِ هر دو یا حُضُورِ یکی از آنان با وُصُولِ



لایحه از وکیل دیگر برای رسیدگی دادگاه کافی است؛ و در صورت عدم وصول لایحه از وکیل غایب، دادگاه بدون توجه به اظهارات وکیل حاضر، رسیدگی را ادامه خواهد داد. چنانچه هر دو وکیل یا یکی از آنان عذر موجهی برای عدم حضور اعلام نموده باشد، در صورت ضرورت، جلسه دادرسی تجدید و علت تجدید جلسه و وقت رسیدگی به موکل نیز اطلاع داده می‌شود. در این صورت جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل، تجدید نخواهد شد.

**ماده ۴۵-** وکیلی که در وکالت‌نامه، حق اقدام یا حق تعیین وکیل مجاز در دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور را داشته باشد، هرگاه پس از صدور رأی یا در موقع ابلاغ آن، استعفا و از رویت رأی امتناع نماید، باید دادگاه رأی را به موکل ابلاغ نماید؛ در این صورت ابتدای مدت تجدیدنظر و فرجام، روز ابلاغ به وکیل یاد شده محسوب است، مگر اینکه موکل ثابت نماید از استعفای وکیل بی‌اطلاع بوده در این صورت ابتدای مدت از روز اطلاع وی محسوب خواهد شد و چنانچه از جهت اقدام وکیل، ضرر و زیانی به موکل وارد شود، وکیل مسؤول می‌باشد. در خصوص این ماده، دادخواست تجدیدنظر و فرجام وکیل مستعفی قبول می‌شود و مدیر دفتر دادگاه مکلف است به طور کتبی به موکل اخطار نماید که شخصاً اقدام کرده یا وکیل جدید معرفی کند و یا اگر دادخواست ناقص

باشد، نَقْصِ آن را بَرَطْرَفِ نماید.

**ماده ۴۶-** اِبْلَاغِ دادنامه به وکیل که حَقِّ دادرسی در دادگاه بالاتر را ندارد یا برای وکالت در آن دادگاه مُجاز نباشد و وکیل در توکیل نیز نباشد، مُعْتَبَرِ نَخَوَاهِدِ بود.

**ماده ۴۷-** اگر وکیل بَعْدِ از اِبْلَاغِ رأی و قَبْلِ از اِنْقِضای مُهَلَّتِ تَجْدِیدِ نَظَرِ و فَرَجَامِ خواهی، فوت کنند، یا مَمْنُوعِ از وکالت شُودِ، یا به واسطه قُوّه قَهْرِیهِ، قادر به اَنْجَامِ وظیفه وکالت نباشد، ابتدای مُهَلَّتِ اِعْتِرَاضِ، از تاریخ اِبْلَاغِ به مُوَكَّلِ مَحْسُوبِ خواهد شد.

**تبصره-** دَرِ مَوَارِدِی که طَرَحِ دَعْوَا یا دِفَاعِ به وسیله وکیل جَرِیان یافته و وکیل یادشده حَقِّ وکالت در مَرَحَلِهِ بالاتر را دارد، کُلِّیهِ آرای صادره باید به او اِبْلَاغِ شُودِ؛ و مَبْدَءِ مُهَلَّتِها و مَوَاعِدِ از تاریخ اِبْلَاغِ به وکیل مَحْسُوبِ می‌گردد.

## باب سوم: دادرسی نخستین

### فصل اول: دادخواست

#### مبحث اول: تقدیم دادخواست

**ماده ۴۸-** شروع رسیدگی در دادگاه، مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد. دادخواست به دفتر دادگاه صالح و در نقاطی که دادگاه، دارای شعب متعدّد است، به دفتر شعبه اول تسلیم می‌گردد.

**ماده ۴۹-** مدیر دفتر دادگاه، پس از وصول دادخواست، باید فوری آن را ثبت کرده، رسیدی مشتمل بر نام خواهان، خوانده، تاریخ تسلیم (روز و ماه و سال)، با ذکر شماره ثبت به تقدیم‌کننده دادخواست بدهد؛ و در برگ دادخواست، تاریخ تسلیم را قید نماید. تاریخ رسید دادخواست به دفتر، تاریخ اقامه دعوا محسوب می‌شود.

**ماده ۵۰-** هرگاه دادگاه، دارای شعب متعدّد باشد، مدیر دفتر باید فوری پس از ثبت دادخواست، آن را جهت ارجاع به یکی از شعب، به نظر رئیس شعبه اول یا معاون وی برساند.

#### مبحث دوم: شرایط دادخواست

**ماده ۵۱-** دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگ‌های چاپی مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد:

۱- نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و حتی امکان شغل خواهان.

**تبصره -** در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود، مشخصات وکیل نیز باید درج گردد.

۲- نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خوانده.

۳- تعیین خواسته و بهای آن، مگر آنکه تعیین بهاء ممکن نبوده و یا خواسته، مالی نباشد.

۴- تعهدات و جهاتی که به موجب آن، خواهان خود را مستحق مطالبه می‌داند، به طوری که مقصود واضح و روشن باشد.

۵- آنچه که خواهان از دادگاه درخواست دارد.

۶- ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد، از اسناد و نوشتجات و اطلاع مطلعین و غیره، ادله مثبتیه به ترتیب و واضح نوشته می‌شود و اگر دلیل، گواهی گواه باشد، خواهان باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را به طور صحیح، معین کند.

۷- امضای دادخواست دهنده و در صورت عجز از امضاء، اثر انگشت او.

**تبصره ۱-** اقامتگاه باید با تمام خصوصیات از قبیل شهر و روستا و دهستان و خیابان به نحوی نوشته شود که ابلاغ به سهولت ممکن باشد.

**تبصره ۲-** چنانچه خواهان یا خوانده، شخص حقوقی باشد، در دادخواست نام و اقامتگاه شخص حقوقی، نوشته خواهد شد.

**ماده ۵۲-** در صورتی که هر یک از اصحاب دعوا، عنوان قیّم یا متولی یا وصی یا مدیریت شرکت و امثال آن را داشته باشد، در دادخواست باید تصریح شود.

### مبحث سوم: موارد توقیف دادخواست

**ماده ۵۳-** در موارد زیر، دادخواست توسط دفتر دادگاه پذیرفته می شود لکن برای به جریان افتادن آن باید به شرح مواد آتی تکمیل شود:

- ۱- در صورتی که به دادخواست و پیوست های آن برآبر قانون، تمبر الصاق نشده یا هزینه یاد شده، تأدیه نشده باشد.
- ۲- وقتی که بندهای (۲، ۳، ۴، ۵ و ۶) ماده (۵۱) این قانون رعایت نشده باشد.

**ماده ۵۴-** در موارد یادشده در ماده قبل، مدیر دفتر دادگاه، ظرف دو روز، نقایص دادخواست را به طور کتبی و مفصل به خواهان اطلاع داده و از تاریخ ابلاغ، به مدت ده روز به او مهلت می دهد تا نقایص را رفع نماید. چنانچه در مهلت مقرر، اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قراری که مدیر دفتر و در غیبت مشارالیه، جانشین او صادر می کند، رد می گردد. این قرار به خواهان ابلاغ می شود و نامبرده می تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به همان دادگاه شکایت نماید. رأی دادگاه در این خصوص، قطعی است.

**ماده ۵۵-** در هر مورد که هزینه انتشار آگهی ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه دفتر تأدیه نشود، دادخواست به وسیله دفتر رد خواهد شد. این قرار، ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل شکایت در دادگاه می‌باشد، جز در مواردی که خواهان، دادخواست اعسار از هزینه دادرسی تقدیم کرده باشد که در این صورت مدت یک ماه یاد شده، از تاریخ ابلاغ دادنامه رد اعسار به نامبرده محسوب خواهد شد.

**ماده ۵۶-** هرگاه در دادخواست، خواهان یا محل اقامت او معلوم نباشد، ظرف دو روز از تاریخ رسید دادخواست، به موجب قراری که مدیر دفتر دادگاه و در غیبت مشارالیه، جانشین او صادر می‌کند، دادخواست رد می‌شود.

### مبحث چهارم: پیوست‌های دادخواست

**ماده ۵۷-** خواهان باید رونوشت یا تصویر اسناد خود را پیوست دادخواست نماید. رونوشت یا تصویر باید خوانا و مطابقت آن با اصل، گواهی شده باشد. مقصود از گواهی آن است که، دفتر دادگاهی که دادخواست به آنجا داده می‌شود یا دفتر یکی از دادگاه‌های دیگر یا یکی از ادارات ثبت اسناد یا دفتر اسناد رسمی و در جایی که هیچ یک از آن‌ها نباشد، بخشدار محل یا یکی از ادارات دولتی، مطابقت آن را با اصل، گواهی کرده باشد در صورتی که رونوشت یا تصویر سند در خارج از کشور تهیه شده، باید مطابقت آن با اصل در دفتر